

ناظم مولانا عبدالقادر بروی

در وفات حسرت آیات

حضرت مولانا محمد ابراهیم صاحب مرحوم کارڈوی

شد حزن کردن بوقت عالمان
موت عالم موت عالم در شمار
فوت مردم درد باشد رشته دار
کارڈاغم کرد گریه ناگهسان
احمد ابراهیم بگر ما برید
تاج حکماء فخر علماء شان او
در رفقه آیت سلف دال بی گسان
از همه خصت شده او رفته است
در صغر از هشت سال بجزوی
یا خدا جنت بکن او را مقام
یا خدا اولاد او را در زمان
عبد قادر کن دعا در حق چنین
قبر او را روح او را هم سلام
انتظار شد سپهر نیلگون

در حقیقت حزن برفوت جہاں
پس حزن بر موت او باشد کلاں
فوت عالم درد ارض و آسمان
خلق گفته نیست تو یک در فغان
در فراق او شده رنج دلال
زہد تقوی برد باری او نشان
تو منطق یاد کرده بر زبان
سو رحمن مالک ملک جہاں
چارده صد زائل شده ولت کنان
قبر او کن با رخ جنت از جنان
کن مجاہد حُبت دار عالمان
فاضلان عالمان کاملاً
ہم شود فلک و ملک آمین خواں
دُور غائب شد تو ابراهیم جان

۱۴۰۸ھ